

خواستگاری

زن از مرد

دیزاین: الحاج سلیمه عابد پیمان سویدن

۱۳۹۴

Ketabton.com



www.masjed.se

تتبع، نکارش و نوشتنه از:
الحاج امين الدين « سعیدی - سعيد افغانی »

خواستگاری زن از مرد

بسم الله الرحمن الرحيم خواستگاری زن از مرد

خواستگاری :

خواستگاری مرحله ای است که قبل از ازدواج صورت می پذیرد این مرحله عبارت از آن است، زمانیکه مرد میخواهد با زن مورد نظرش ازدواج کند به نزد اقارب و خویشاوندان و نزدیکان زن رفته و خواهش خویش را مبنی بر ازدواج بیان میدارد، وبا ایشان به بحث و گفتگو در مورد موافقت با خواسته اش و شرایط آن می پردازد، که از جانب فامیل دختر قبول و یا هم به ادای کلمات مناسب و دوستانه رد میگردد.

علماء بدین عقیده اند که بهتر این است که قبل از انعقاد عقد، دختر و پسر، در صورتیکه در حرام واقع نشوند، همدیگر را ببینند تا دل های شان بسوی هم جلب شود و محبت و علاقه در بین آنان به وجود آید، تا هنگامی که کار از کار می گذرد پیشمان نشوند.

این عده از علماء بدین عقیده اند که، عدم رؤیت همسر قبل از ازدواج یکی از اسباب جدایی و طلاق بشمار می رود. بخصوص زمانی که مرد متوجه شود که همسرش از نظر حسن جمال بر خلاف آن چیزی است که در موردش با او صحبت کرده اند. بنابراین شریعت اسلامی به مرد این اجازه را داده است که قبل از ازدواج، همسر آینده اش را ببیند؛ رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِذَا خَطَبَ أَحَدُكُمْ الْمَرْأَةَ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ، فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ يُؤَدَّمَ بَيْنَهُمَا» ابو داود (2082) (هرگاه یکی از شما از زنی خواستگاری نمود و می توانست به محاسن او نگاه کند، این کار را بکند تا انگیزه ی ازدواجش با این زن بیشتر شود؛ زیرا نگاه کردن به همسر آینده سبب ایجاد الفت و دوستی می شود و در آینده، زندگی موفق خواهد داشت).

ترمذی و نسائی و ابن ماجه از مغیره بن شعبه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت نموده اند که ایشان از زنی خواستگاری نمود رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمود: «أَنْظُرْ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ يُؤَدَّمَ بَيْنَهُمَا» (به همسر آینده ات نگاه کن؛ زیرا این کار در ادامه ی زندگی مشترک بهتر است و بین شما دوستی و موفقیت به ارمغان خواهد آورد). امام مسلم در صحیح خود روایت می کند که مردی برای رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد که از زنی خواستگاری نموده است؛ پیامبر صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او پرسید: «أَنْظَرْتَ إِلَيْهَا» (آیا او را دیده ای و به او نگاه کرده ای؟) مجموعه این احادیث بیانگر این امر است که نگاه کردن به نامزد قبل از ازدواج، جایز است و باید این گونه باشد؛ زیرا این کار موفقیت را برای زندگی به ارمغان می آورد و زندگی را سرشار از موفقیت و شادی می گرداند.

لازم است که ولی و سرپرست، (از قبیل پدر، جد و برادر و.....) موافقت زن خواستگار شده را که به سن بلوغ رسیده برای ازدواج با مرد خواستگار بدست

خواستگاری زن از مرد

آورد در این مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «**الثیب أحق بنفسها من وليها** والبکر تستامر **وإذنهما سکوتها**» (بیوه زن مصلحت خود را بهتر از ولی و سرپرستش میداند، و دوشیزه هم باید برای ازدواج از او اجازه گرفته شود. و همینکه دوشیزه سکوت نمود) و اعراض نکرد سکوتش به معنی اجازه است (هر يك از طرفین مرد وزن بعد از خواستگاری و اعلان موافقت، میتواند پیشمان شوند و اگر یکی از آنها پیشمان شد هدایایی که به یکدیگر داده اند و با قیماندنی است، مانند طلاجات و زینت آلات باید مسترد گردد، اما چیزهای که قابل دوام نیست، مانند شیرینی و غذا و عطرهای صرف شده چیزی بابت آنها پرداخت نمیکرد).

نکاح نیمه:

خواننده محترم!

در این اواخر در کشور عزیز ما افغانستان معمول طوری گردیده است که، در دوران خواستگاری نوعی از عقد بین خواستگار و ولی دختر انعقاد می یابد که بنام «نکاح نیمه» در بین مردم ما شهرت یافته است، این نوع از نکاح نیمه هیچگونه اصل و اساس در شرع اسلامی نداشته و از دید فهم شرع عمل ناروا و بازکردن راه نارو بین دختر و پسر میباشد.

در این هیچ جای شک نیست که در نکاح نیمه یک نوع ایجاب و قبول غلط و ناروا در بین وکیل دختر و وکیل پسر صورت میگیرد، بادر نظر داشت اینکه در این پروسه ایجاب و قبول دونفر شاهد حضور هم میداشته باشند ولی میگویند این شاهدان برای امور پروسه خواستگاری میباشد.

در این پروسه ایجاب و قبول شاهدان به نزد دختر نمیروند، بلکه صرف ایجاب و قبول غلط میان پدر عروس یا برادرش و میان داماد و یا پدر داماد، آنهم صیغه های غیر عقد نکاح صورت میگیرد.

این نوع ایجاب و قبول که بنام نکاح نیمه در میان مردم ما رواج یافته است مخالف شریعت اسلامی بوده و با تمام صراحت باید گفت: در شریعت اسلامی نکاح نیمه هیچ وجود نداشته، در شرع اسلامی، یا نکاح کامل است و یا هم هیچ نکاح نیست. با تأسف باید گفت: این نوع نکاح های نیمه راهی را برای داماد برای انجام اعمال ضد شرعی باز می کند، زیرا از نگاه شریعت اسلامی تا وقتی که دختر در عقد نکاح صحیح و شرعی جوان نیامده باشد، با وی اختلاط و درخانه تنها نشستن ناروا می باشد، ولی آنان بخاطر اینکه این جریمه را برای خود حلال ساخته باشند، بنام «نکاح نیمه» آن جوان به منزل عروس رفته و یا هم با وی به هر جایی می رود، درحالی که او با وی کاملاً نامحرم است.

خواستگاری زن از مرد

خواستگاری زن از مرد :

مطابق عروف مروج در جهان اسلام وبخصوص در کشور عزیز ما افغانستان طوریکه در فوق یاداور شدیم : معمولاً همین است که ، مرد ها به خواستگاری میروند ، در مورد اینکه آیا زن هم میتواند مانند مرد مراسم خواستگاری را برای شریک زندگی خویش بعمل ارد ویا خیر ؟

در جواب باید گفت که : این مساله قبل از اینکه از فهم شرعی ، حقوقی وقانونی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد ، بهتر است از دید مساله فرهنگی توضیحاتی در زمینه داده شود .

در این جای شکی نیست که در بخشی از جوامع بشری از جمله در کشور بزرگی هندوستان مرسوم است که فامیل دختر به فامیل پسر پیشنهاد ازدواج را ارائه مینماید ویا هم از طرف خانواده دختر پیشنهاد می شود که ما آمادگی داریم که دختر خویش را به ازدواج پسر شما درآوریم. در چنین فرهنگ هایی خواستگاری زن از مرد از منزلت زن کم نمی کندو حتی اگر جواب از طرف خانواده مرد منفی باشد باعث سرشکستگی فامیل دختر هم محسوب نمیگردد ، ولی جواب رد از لحاظ روانی برای دختر نوعی از شکست بحساب می آید .

در تاریخ اسلام از جمله در داستان دختران حضرت شعیب (علیه السلام) و حضرت موسی در می یابیم که : حضرت شعیب به موسی (علیه السلام) پیشنهاد کرد و گفت: « من می خواهم یکی از دو دخترم را به همسری تو در آورم به شرط آن که هشت سال برای من کار کنی و اگر تا ده سال کار خود را افزایش دهی، محبتی از طرف تو خواهد بود ، من نمی خواهم کار سنگینی بردوش تو نهم، ان شاء الله مرا از شایستگان خواهی یافت».

و موسی (علیه السلام -) با پیشنهاد شعیب (علیه السلام) موافقت کرد. همان طور که بیان شد، از شرطی که حضرت شعیب (علیه السلام) برای ازدواج موسی (علیه السلام) با صفورا، دخترش قرار داد و حضرت موسی (علیه السلام) هم این شرط را قبول نمود، برمی آید که موسی (علیه السلام) از قبل خواستار ازدواج با دختر شعیب نبی (علیه السلام) بوده است و گر نه زیر بار چنین شرطی نمی رفت: گذشته از این که در این مورد دو پیامبر حضور دارند. از طرفی دیگر حضرت موسی (علیه السلام) مدت زیادی در خانه حضرت شعیب (علیه السلام) زندگی کردند و حضرت شعیب (علیه السلام) از صفات اخلاقی مثبت و روحیات حضرت موسی خبر داشتند و می دانستند که حضرت موسی با دخترشان تناسب های زیادی با هم دارند و بالاترین آنها تناسب در ایمان و دینداری بود. حضرت موسی نیز دارای سجایا و صفات اخلاقی والایی بودند و اگر نمی خواستند با دختر حضرت شعیب ازدواج کنند حتماً به شکلی منطقی برخورد می کردند که از نظر روحی آسیبی به دختر حضرت شعیب نخورد؛ نیز احتمال دارد که حضرت شعیب این مسأله را دور از نظر دخترانشان مطرح کرده اند؟! اگر جواب منفی باشد به آنها ضربه ای نخورد.

ولی بصورت کل در جوامع امروزی خواستگاری مرد از زن به یک امر عرفی مبدل گردیده است ، اما از لحاظ شرعی هیچگونه ممانعتی در امر خواستگاری زن از مرد

خواستگاری زن از مرد

وجو نداشته زن میتواند از مرد مورد نظر خویش خواستگاری و بر زندگی مشترک خویش ادامه دهند .

خواننده محترم !

در آیه « فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ » (سورة النساء/ 3) اگر توجه بعمل بیاوریم با صراحت خاصی در می یابیم که در آیه متبرکه پروردگار با عظمت به مرد خطاب نموده و به اصطلاح زمام امور نکاح را به مرد اعطا کرده است. و حتی در موارد طلاق هم زمام امور همانطوریکه آغاز آنرا به مرد سپرده و ختم انجام آنرا که طلاق است به مرد سپرده است طوریکه میفرماید : « وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ ... » (آیه 231 سوره بقره) بنا بصورت کل دیده میشود که مرد همانطوریکه در موقع ازدواج به دنبال زن میرود و خواستگار میکند و امور خانوادگی را ترتیب و سر و سامان می بخشد زمام امور طلاق را نیز پروردگار با عظمت بدست مرد سپرده است طوریکه فقها میفرمایند : «الطلاق بيد من أخذ بالساق؛ طلاق به دست کسی است که در ابتدای ازدواج دست زن را گرفت (با او ازدواج کرد)». ناگفته نباید گذاشت که از جهت قانون طبیعت نیز چنین است که از ابتدای خلقت همیشه بر اساس فطرت خدادادی، مردان به دنبال ازدواج با زنان و به خواستگاری آنان میرفتند. به تعبیر دیگر: مردان طالب و زنان مطلوب بودند. ولی طوریکه متذکر شدیم شرع اسلامی و قانون شرعی هیچ مانعی را در آن نمی بیند که زن از مرد مورد نظر خویش خواستگاری نمایند. ولی وقار زنانه مانع از اقدام آشکار زنان در این باره می گردد. همچنان در الفاظ عقد نکاح و ازدواج اگر نظر به اندازیم در می یابیم که حتی این کلمات و الفاظ به کلمه زوجتک یعنی «به تزویج در آوردم تو را» شروع شده که از طرف زن نسبت به مرد خطاب می شود. همچنان در مورد مهر قرآن عظیم الشان میفرماید : وَاَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ مِنْهُ فُكْلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً » (سوره نساء آیه : ۴) (و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند ، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید). بادر نظر داشت اینکه مهر حق زن است ولی اعطای آن به مرد که خواستگار است تعلق گرفته است .

ولی عرف جامعه امروزی طوریکه متذکر شدیم همین است که مردان به عنوان خواستگاری نزد زن می روند و از آنها تقاضای همسری می نمایند، مفسرین میفرمایند که : این هم یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است.

وضع جسمانی زن را در مقابل نیرومندی جسمانی مرد، با این وسیله جبران کرده است .

البته سرشت و طبیعت زن و مرد اموری نیستند که بخواهیم تحت عنوان دفاع از حقوق ، آن را کنار گذاشته و به زن بودن و مرد بودن خود با تمام خصوصیات جسمی و روحی پشت کنیم و حتی سعی در تغییر این خصوصیات به سمت جنس مخالف داشته باشیم! به

خواستگاری زن از مرد

بیانی روشن باید گفت خلاف حیثیت و مقام زن است که به دنبال مرد برد. ولی این مساله برای مرده ساده و اسانی تلقی میشود و برای مرد قابل تحمل هم است که از زنی خواستگاری کند و جواب منفی بشنود و از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خویش را به همسری با او اعلام کند، اما برای زن که می خواهد محبوب و معشوق باشد قابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود. همچنان خواستگاری مستقیم زن از مرد مورد علاقه، عوارضی دارد که در نهایت از نظر روانی و شخصیتی و حیثیت اجتماعی و خانوادگی به ضرر زن تمام می شود. بخصوص اگر زن در خواستگاری خویش از مرد جواب منفی در یافت بدارد زیرا زنان از نظر عاطفی و هیجانی در عین حال که در سطح بالاتری از مردها میباشند ولی از لحاظ شکنندگی آنها هم به همین میزان از نظر عاطفی بیشتر از مردهاست. بنابراین زیباترین شکل خواستگاری در تمامی فرهنگ ها و مذاهب تقاضای مرد از زن است.

این موارد مخصوص جامعه ما نیست که طبق رسم و عادت قدیمی، خانواده پسر به خواستگاری دختر می روند. حتی این سنت ریشه در تاریخ هزاران ساله بشریت دارد. خواستگاری پسر از دختر از فطرت مرد و زن نشأت می گیرد و مرد همیشه خواهان است و زن خوانده.

ولی در تاریخ اسلامی حالاتی هم وجود دارد که زن شخصاً خواستار ازدواج شده اند از جمله در حدیثی سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه میگوید: «إِنِّي لَفِي الْقَوْمِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِذْ قَامَتِ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَكَ، فَرَفِيهَا رَأَيْكَ. فَلَمْ يُجِبْهَا شَيْئًا. ثُمَّ قَامَتِ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَكَ، فَرَفِيهَا رَأَيْكَ. فَلَمْ يُجِبْهَا شَيْئًا. ثُمَّ قَامَتِ الثَّالِثَةُ فَقَالَتْ: إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَكَ، فَرَفِيهَا رَأَيْكَ. فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْكِحْنِيهَا. قَالَ هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: اذْهَبْ فَاطْلُبْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ. فَذَهَبَ فَطَلَبَ ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ: مَا وَجَدْتُ شَيْئًا وَلَا خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ. فَقَالَ: هَلْ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ؟ قَالَ: مَعِيَ سُورَةُ كَذَا وَسُورَةُ كَذَا. قَالَ: اذْهَبْ فَقَدْ أَنْكِحْتُكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ» بخاری (5149) باب: التزويج على القرآن. ورواه مسلم (1425). وفي رواية قال له: «انطلق فقد رَوَّجْتُكَهَا فَعَلِمْتُهَا مِنَ الْقُرْآنِ». وفي رواية للبخاري: «أَمْلَكْنَاكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ». ولأبي داود عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: «مَا تَحْفَظُ؟» قَالَ: سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَالتِّي تَلِيهَا، قَالَ: «فَمُمْ، فَعَلِمْتُهَا عِشْرِينَ آيَةً».

یعنی: «زنی به حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد وگفت: ای پیامبر خدا، من، نفس خود را به تو بخشیدم، آن زن برخاست و مدتی از آن گذشت، مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا اگر خود بدان نیازی نداری، او را به عقد نکاح من درآور، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: چیزی داری که مهریه او قرار دهی؟ اوگفت: جز این جامه چیزی ندارم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر جامهات را به وی بدهم، تو بدون جامه می نشینی، چیزی دیگر بجوی گفت: چیزی نمی یابم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چیزی را پیدا کن ولو اینکه یک حلقه انگشتری فلزی باشد. او جستجو کرد و بالاخره

خواستگاری زن از مرد

چیزی نیافت. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا چیزی از قرآن را یادگرفته‌ای؟ او گفت: فلان سوره و فلان سوره... را یادگرفته‌ام و نام آنها را برد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: او را به ازدواج تو درآوردم و مهریه او را آنقدر قرآن قرار دادم که یادگرفته‌ای که به وی بیاموزی». به روایت بخاری و مسلم.

و در یک روایت مسلم آمده: «برو او را به ازدواج تو در آوردم، پس تو چیزی از قرآن به او یاد بده».

و در یک روایت بخاری آمده: «تو را مالک او گردانیدم در بدل آنچه از قرآن یاد داری». متفق علیه و لفظ مسلم است.

و در روایت ابو داود از ابوهریره آمده: «چقدر از قرآن حفظ داری؟» گفت: سوره بقره و سوره بعد از آن را حفظ دارم، فرمود: «برخیز بیست آیه به او آموزش بده».

پایان

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library